



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مَرْغُوبًا
سَلَّمَ

گزیده‌ای از آثار و سیره امام خمینی (س)

سیره معصومین (ع)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه
۱	بیانات و مکتوبات
۱	بخش اول: حضرت زهرا (س)
۱	ولادت
۲	مقام و منزلت
۵	بخش دوم: امام علی (ع)
۵	منزلت
۷	معرفت
۸	جامعیت
۹	عدالت
۱۰	عبادت
۱۱	حکومت
۱۴	جنگها
۱۵	شهادت

بخش سوم: ائمه (ع) ۱۷

مقام و منزلت ۱۷

ادعیه ۲۱

مبارزات ائمه (ع) ۲۴

یاران ائمه (ع) ۲۹

خاطرات ۳۵

فتاوا ۴۳

مقدمه

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی
از خُم دوست جوانم به خُم موی علی
طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست
یاد آرم به خرابات چو ابروی علی
دیوان اشعار؛ ص ۳۱۱

جان امام خمینی (س) که آفتاب زندگی امت اسلامی شد و جانهای
فسرده امتی تحقیرشده را به انوار خویش گرما و حرکت بخشید، از نفس
سوزان مربیان صاحب کرامت و مرشدان طریق حقیقت افروخته شده
بود. جانی که تجلی پرهیزگاری آن هر چشم حقیقت‌بینی را خیره می‌کرد.
او که از عارفان بالله و متمسکین حقیقی ولایت معصومین (ع) بود؛
جامعیت و حقیقت وجودی خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر (ص) در
حدیث ثقلین تفسیر کرد و همواره به شناخت و اقتدای به آن بزرگواران
توصیه می‌فرمود.

ممکن اما چه ممکن، علت امکان واجب اما شعاع خالق اکبر
دیوان اشعار؛ ص ۲۵۳

واحد خواهران

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

بیانات و مکتوبات

بخش اول: حضرت زهرا (س)

ولادت

اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت باسعادت فاطمه زهرا - سلام الله علیهاست. زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می درخشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۲۷۴

* * *

این ولادت باسعادت در زمان و محیطی واقع شد که زن به عنوان یک انسان مطرح نبود و وجود او موجب سرافکنندگی خاندانش در نزد اقوام مختلف جاهلیت به شمار می رفت. در چنین محیط فاسد و وحشتزایی، پیامبر بزرگ اسلام دست زن را گرفت و از منجلاب عادات جاهلیت نجات بخشید. و تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به این مولود شریف است، تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۳۱۶

* * *

مقام و منزلت

و از جمله تعقیبات شریفه، تسیحات صدیقه طاهره - سلام الله علیها - است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به آن معظمه تعلیم فرمود. و آن افضل تعقیبات است. در حدیث است که اگر چیزی افضل از آن بود، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آن را به فاطمه - علیها السلام - عطا می فرمود.

آداب الصلوة؛ ص ۳۷۷

* * *

جبرئیل پس از فوت پیغمبر (ص) می آمد و اخبار از غیب برای فاطمه می آورد و امیرالمؤمنین آنها را می نوشت و آن مصحف فاطمه است.

کشف الاسرار؛ ص ۱۲۵

* * *

یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. ... تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد - تمام - در این زن است. ... زنی که تمام خاصه‌های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود.

صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۳۳۷

زنی که در حجره‌ای کوچک و محقر، انسانهایی تربیت کرد که نورشان از
بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلیٰ
می‌درخشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۹۲

بخش دوم: امام علی (ع)

منزلت

ملائکه بالشان را زیر پای امیرالمؤمنین (ع) پهن می‌کنند؛ چون مردی است که به درد اسلام می‌خورد؛ اسلام را بزرگ می‌کند؛ اسلام به واسطه او در دنیا منتشر می‌شود و شهرت جهانی پیدا می‌کند، با زمامداری آن حضرت جامعه‌ای خوشنام و آزاد و پرحرکت و پرفضیلت به وجود می‌آید. البته ملائکه برای حضرتش خضوع می‌کنند. و همه برای او خضوع و خشوع می‌کنند. حتی دشمن در برابر عظمتش تعظیم می‌کند.

ولایت فقیه؛ ص ۱۴۵

* * *

امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - چون تمام وجودش فانی در وجود رسول الله است، ظل الله است.

صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۳۸

* * *

پیغمبر می‌خواست همه مردم را علی بن ابیطالب کند ولی نمی‌شد. و اگر

بعثت پیغمبر هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی بن ابیطالب و وجود امام زمان - سلام الله علیه - این هم توفیق بسیار بزرگی بود.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۴۲۴

* * *

پس اولی آن است که... بگویم علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود، و این بزرگترین شاخصه اوست که می توان از آن یاد کرد، و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر عظیم الشان است، و این از بزرگترین افتخارات اوست، کدام شخصیت می تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیتها بریده است، جز انبیای عظام و اولیای معظم که علی - علیه السلام - آن عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حجب نور و ظلمت را دریده و به معدن عظمت رسیده است، در صف مقدم است. و کدام شخصیت است که می تواند ادعا کند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم در دامن و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است جز علی بن ابیطالب که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده. پس او بحق عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم است.

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۳۴۷

* * *

نامدارترین سرباز فداکار در اسلام، امیرالمؤمنین است و او گمنام ترین سرباز است.

صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۴۲۱

* * *

ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رهاشده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۹۶

* * *

معرفت

به خودشان قسم است «وَأِنَّهُ لَقَسَمٌ عَظِيمٌ»^(۱) که اگر بشر پشت به پشت یکدیگر دهند و بخواهند یک لاله لاله إلا الله امیرالمؤمنین را بگویند نمی‌توانند! خاک بر فرق من با این معرفت به مقام ولایت علی، علیه‌السلام! به مقام علی بن ابی طالب قسم که اگر ملائکه مقرّبین و انبیای مرسلین - غیر از رسول خاتم که مولای علی و غیر اوست - بخواهند یک تکبیر او را بگویند نتوانند. حال قلب آنها را جز خود آنها نمی‌داند کسی.

چهل حدیث؛ ص ۷۶

* * *

شما شیعه همان هستید که می‌فرمود: اگر همه عالم در مقابل من بایستند، تنها در مقابل همه می‌ایستم. آن ایمان است که او را آنطور در مقابل همه چیز می‌ایستاند. آن اخلاص اوست. آن روحانیت و معنویت اوست. و

۱. برگرفته شده از آیه «وَأِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ»؛ و اگر بدانید آن سوگندی بزرگ است (واقعه / ۷۶).

شما هم شیعه‌ او هستید.

صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۹۸

* * *

جامعیت

حضرت امیر نمازش را می‌خواند، شمشیرش را هم می‌کشید. شمشیرش دستش بود، نماز هم می‌خواند؛ هر دو بود. قضاوت هم می‌کرد. همه کارها را می‌کرد.

صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۲۴۲

* * *

این علی همه چیز است. یعنی در همه ابعاد انسانیت درجه یک است. و لهذا هر طایفه‌ای خودشان را به او نزدیک می‌کنند. و خاصیت هر طبقه را هم دارد. خاصیت قدرت و ورزشکارها را به طور وافی دارد. ... در عبادت، فوق همه عبادت‌کنندگان هست؛ در زهد، فوق همه زاهدها هست، در جنگ، فوق همه جنگجویان هست؛ در قدرت، فوق همه قدرتمندان هست. و این یک اعجوبه‌ای است که جمع، مابین متضاد با هم کرده است.

صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۲۶۱

* * *

[در] «سیرالی الله» لازم نیست که انسان گوشه‌ای بنشیند و بگوید من «سیرالی الله» می‌خواهم بکنم. خیر، «سیرالی الله» همان طوری [است] که

سیره انبیا و خصوصاً پیامبر اسلام [بود] و کسانی که مربوط به او بودند؛ در عین حالی که در جنگ وارد می شدند، آدم می کشتند، کشته می دادند، حکومت داشتند، همه چیز داشتند، همه اش «سیرالی الله» بود. اینطور نبود که آن روزی که حضرت امیر مشغول به قتال است «سیرالی الله» نباشد، آن روزی که مشغول نماز است، باشد. خیر، هر دویش «سیرالی الله» است و لهذا، پیامبر می فرماید که *ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ*^(۱) این برای این است که «سیرالی الله» است.^(۲)

صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۱۷۴

* * *

عدالت

حضرت امیرالمؤمنین (ع) بعد از اینکه دست دو نفر دزد را قطع می کند، چنان نسبت به آنان عاطفه و محبت نشان می دهد و معالجه و پذیرایی می کند که مداحان حضرت می شوند.^(۳) یا وقتی می شنود ارتش غارتگر معاویه خلخال از پای یک زن اهل ذمه درآورده اند، به قدری ناراحت می شود و عواطفش چنان جریحه دار می گردد که در نطقی می فرماید اگر از تأثر این واقعه انسان بمیرد، قابل سرزنش نخواهد بود.^(۴) با این همه

۱. «یک ضربه شمشیر علی (ع) در جنگ خندق، برتر از عبادت جن و انس است.»

بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱-۲، ح ۱.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۳۹، ص ۲۰۱.

۳. فروع کافی؛ ج ۷، ص ۲۶۴.

۴. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۷.

عاطفه، روزی هم شمشیر می‌کشد و افراد مفسد را با کمال قدرت از پا درمی‌آورد. معنای عدالت این است.

ولایت فقیه؛ ص ۸۵

* * *

عبادت

فرمود حضرت صادق، علیه‌السلام: «به خدا قسم نخورد علی بن ابیطالب - علیه‌السلام - هرگز از دنیا حرامی تا از دنیا رفت، و عرضه نشد بر او دو امری که رضای خداوند در آنها بود، مگر آنکه آنچه شدیدتر بود بر بدنش اختیار فرمود، و نازل نشد بر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - شدتی هرگز مگر آنکه آن بزرگوار [او] را خواند برای اطمینانی که به او داشت، و هیچ‌کس در این امت عمل رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را طاقت نداشت غیر از او، همانا عمل می‌کرد عمل شخص ترسناک؛ گویی بین بهشت و دوزخ بود، امید ثواب این را و ترس عقاب آن را داشت. و هر آینه آزاد فرمود از مال [خود] هزار بنده در راه خدا و نجات از آتش، بندگانی که با زحمت دست و عرق پیشانی تحصیل فرموده بود. و همانا قوت اهل بیتش را زیت و سرکه و خرما قرار داده بود؛ و نبود لباسش مگر کرباس؛ و اگر آستین مبارکش بلند می‌آمد قیچی می‌طلیید و آن را قطع می‌فرمود. و هیچ‌کس شبیه‌تر نبود به او در اولاد گرامش از علی بن الحسین (ع) در فقه و لباس. هر آینه وارد شد بر او حضرت باقر - علیه‌السلام - پسرش. پس دید او را که رسیده است از عبادت به حدی که نرسیده است احدی دیگر، رنگش از بیداری شب زرد شده، و سوخته شده بود چشمانش از گریه، و

مجروح شده بود جبهه مبارکش، و پاره شده بود بینی او از سجود، و ورم کرده بود ساقها و قدمهایش از ایستادن در نماز. و فرمود حضرت باقر - علیه السلام - نتوانستم خودداری کنم از گریه وقتی که او را بدین حال دیدم؛ پس گریه کردم برای ترحم به او، و آن حضرت مشغول تفکر بود. پس توجه فرمود به من بعد از لحظه‌ای از داخل شدن من، و فرمود: «ای فرزند، به من بده بعضی از آن صحیفه‌هایی را که عبادت علی بن ابیطالب - علیه السلام - در آن است». پس دادم به او. و قرائت فرمود در آن چیز کمی. پس از آن رها کرد آن را از دست مبارکش با حال انضجار و غصه و فرمود: «کی قوت عبادت علی بن ابیطالب - علیه السلام - را دارد؟»

چهل حدیث؛ ص ۴۴۲

* * *

حکومت

همین علی بن ابیطالب که رسول خدا او را به جای خودش نصب کرد، بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد با اشخاص - که به عقیده او غاصب مقام بودند، برای اینکه مصالح اسلام اقتضا می‌کرد. اگر حضرت آن وقت می‌خواست معارضه بکند، اس. در خطر بود.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۶۶

* * *

حضرت امیر یک مملکت را اداره می‌کرد، سیاستمدار یک مملکت بود.

صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۲۸۷

حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره نفس حکومت و فرماندهی به ابن عباس فرمود: این کفش چقدر می‌ارزد؟ گفت: هیچ. فرمود: فرماندهی بر شما نزد من از این هم کم ارزشتر است؛ مگر اینکه به وسیله فرماندهی و حکومت بر شما بتوانم حق (یعنی قانون و نظام اسلام) را برقرار سازم؛ و باطل (یعنی قانون و نظامات ناروا و ظالمانه) را از میان بردارم.

ولایت فقیه؛ ص ۵۴

* * *

برای یک همچو حکومتی که حکومت عقل است، حکومت عدل است، حکومت ایمان است، حکومت الهی است، در رفتنش عزا لازم است و در برقراری اش - برای همان چند سال حکومت حضرت امیر - مسلمین باید جشن بگیرند.

صحیفه امام؛ ج ۲، ص ۳۶۰

* * *

مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله‌ای پیش بیاورد، حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد؛ آنکه ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. ... نصب حضرت امیر به خلافت اینطور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد؛ مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود. و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا این غدیر را آنقدر ارزش تجلیل کرده‌اند،

نه از باب اینکه حکومت یک مسأله‌ای است، حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می‌گوید که «به قدر این کفش بی قیمت هم پیش من نیست» آنکه هست اقامه عدل است. آن چیزی که حضرت امیر -سلام الله علیه- و اولاد او می‌توانستند در صورتی که فرصت بهشان بدهند، اقامه عدل را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد انجام بدهند، اینها هستند، لکن فرصت نیافتند.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۱۱۲

* * *

مشکلات امیرالمؤمنین -سلام الله علیه- از مشکلات ما بیشتر بوده، گرفتاری آنها از گرفتاری ما بیشتر بوده، آنها هم از دوستانشان مخالفت می‌دیدند، این دسته‌ای که قیام کردند در صفین، در مقابل حضرت امیر ایستادند و شمشیر کشیدند به روی حضرت، اینها از دوستان حضرت بودند؛ مخلصین حضرت بودند، گرفتاری حضرت از مخلصینش شاید بیشتر بود تا از سایرین.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳۰

* * *

آن چیزی که موجب تأسف است، این است که مجال پیدا نکرد حضرت امیر -سلام الله علیه- نگذاشتند مجال پیدا بکند، که آن حکومتی که حکومت الله است در دنیا به آن نحوی که می‌خواست، خود حضرت امیر -سلام الله علیه- می‌خواست پیاده کند تا دنیا بفهمد که اسلام چی آورده است و چه شخصیت‌هایی دارد. در آن وقت که حکومت دست ایشان نبود،

که مجال نبود، آن وقت هم که حکومت دست ایشان آمد، باز مجال ندادند؛ سه تا جنگ بزرگ در زمان ایشان افروختند و مجال اینکه یک حکومتی که دلخواه او هست برقرار کند نشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۱۵۲

* * *

جنگها

حضرت امیر سه جنگی را که کرده است با اصحاب پیغمبر، با نزدیکان پیغمبر، با مقدسهای حقه باز کرده است و این برای مصلحت اسلام بوده است.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۲۱۴

* * *

[معاویه] کافر نبود و مسلمان هم بود و اظهار اسلام هم می کرد و لکن برخلاف موازین این مسند را گرفته بود؛ یک حکومت جائز بود که برخلاف موازین الهی مسندی را گرفته بود و در آن مسند هم به طور ظالمانه عمل می کرد؛ از این جهت حضرت امیر قیام کرد، ولو نرسید به نتیجه لکن تکلیف را ادا کرد؛ تکلیف این بود که با یک همچو آدمی باید معارضه و مبارزه بکند.

صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۱۹

* * *

امیرالمؤمنین می‌دید که دین خدا در خطر است، معاویه دارد وارونه می‌کند دین خدا را، برای خدا قیام کرد.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۱۰

قرآن را سرنیزه کردند و امیرالمؤمنین را شکستند. هر چه حضرت فرمود که من قرآنم، من قرآن ناطقم، به من گوش کنید، این حيله است، آن احمقها شمشیرها را کشیدند، گفتند: اگر نگویی برگردد، می‌کشیمت. برگرداندند لشکر اسلام را و نگذاشتند که پیروز بشوند.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۳۹۱

امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - با آنهمه عطوفت، با آنهمه رحمت، وقتی که ملاحظه فرمود خوارج مردمی هستند که فاسد و مُفسِد هستند، شمشیر کشید و تمام آنها را، الابعضی که فرار کردند، از دم شمشیر گذراند.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳۷۰

شهادت

این مقدسهایی که پینه‌بسته بود پیشانی‌شان، لکن خدا را نمی‌شناختند، همینها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را!

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۴۶۶

بخش سوم: ائمه (ع)

مقام و منزلت

بعضی از آنها در وقت نماز رنگ مبارکشان تغییر می‌کرد و پشت مبارکشان می‌لرزید از خوف آنکه مبادا در امر الهی لغزشی شود، با آنکه معصوم بودند.

چهل حدیث؛ ص ۴۲۹

* * *

اهل بیت عصمت - علیهم السلام - معادن وحی و تمام فرمایشاتشان و علومشان از وحی الهی و کشف محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است.

آداب الصلوة؛ ص ۴۱

* * *

فرموده ائمه - علیهم السلام - که «عبادت ما عبادت احرار است، که فقط

برای حب خداست نه طمع به بهشت یا ترس از جهنم است»،^(۱) از مقامات معمولی و اوّل درجه ولایت است. از برای آنها در عبادات حالاتی است که به فهم ما و شما نمی‌گنجد.

چهل حدیث؛ ص ۵۷

* * *

ما خود بالضرورة می‌دانیم که اعمال ما و همه بشر عادی بلکه همه ملائکه الله و روحانین در میزان مقایسه با اعمال رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و ائمه هدی - سلام الله علیهم - قدر محسوسی ندارد و به هیچ وجه در حساب نیاید. آنگاه، اعتراف به تقصیر و اظهار عجز از قیام به امر از آن بزرگواران متواتر بلکه فوق حد تواتر است.

آداب الصلوة؛ ص ۱۷۶

* * *

پیغمبر اکرم و اهل بیت مکرم او - صلوات الله علیهم - تمام عمر خود را صرف در بسط احکام و اخلاق و عقاید نمودند و یگانه مقصد آنها نشر احکام خدا و اصلاح و تهذیب بشر بوده و هر قتل و غارت و ذلت و اهانتی را در راه این مقصد شریف سهل شمردند و از اقدام باز نماندند.

چهل حدیث؛ ص ۵۷۶

* * *

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱، ص ۴۵، «ابواب مقدمة العبادات»، باب ۹، ح ۱.

جناب علی بن الحسین از بزرگترین نعمتهایی است که ذات مقدّس حق بر بندگان خود به وجودش منت گزارده و آن سرور را از عالم قرب و قدس نازل فرموده برای فهماندن طرق عبودیت به بندگان خود.

آداب الصلوة؛ ص ۱۵۲

عالم آل محمد - صلی الله علیه و آله - و عاشق جمال حق تعالی، جناب باقر العلوم - علیه السلام - صدقه را پس از وقوع در دست سائل می بویید و می بوسید و استشمام رایحه طیبه محبوب از آن می کرد. و خدا می داند برای آن ذات مقدس و عاشق مجذوب چه راحت نفس و سکونت خاطری پیدا می شد؛ و چطور آن اشتعال قلبیه و احتراقات شوقیه باطنیه [را] این عشقبازی خاموش می کرد.

چهل حدیث؛ ص ۴۸۹

«باقر العلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین - علیهم السلام - مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۹۷

در حدیث است که «حضرت صادق - علیه السلام - صدقه می دادند به شکر، پرسیدند: "چطور به شکر صدقه می دهید؟" فرمود: "شکر را از هر

چیز بیشتر دوست دارم؛ و میل دارم به آن چیزی که محبوبترین اشیاست
پیش من صدقه دهم." (۱)

چهل حدیث؛ ص ۴۹۱

* * *

معرف حضرت صادق - سلام الله علیه - بعد از اینکه خود پیغمبر معرف
است، خود وجودش معرف است، این فقهی است که با زبان ایشان بسط
پیدا کرده است که برای احتیاج بشر از اول تا آخر، هر مسئله‌ای پیش
بیاید، مسائل مستحدثه، مسائلی که بعدها خواهد پیش آمد، که حالا ما
نمی‌دانیم، این فقه از عهده جوابش بر می‌آید و هیچ احتیاج ندارد به اینکه
یک تأویل و تفسیر باطلی بکنیم.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۴۰۹

* * *

کسی بخواهد بفهمد که مقامات ائمه چی است، باید رجوع کند به آثار
آنها؛ آثار آنها ادعیه آنهاست. مهمش ادعیه آنهاست و خطابه‌هایی که
می‌خواندند؛ مثل مناجات شعبانیه، مثل نهج البلاغه، مثل دعای
یوم‌العرفه و اینهایی که انسان نمی‌داند که چه باید بگوید درباره آنها.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۴۱۰

* * *

ادعیه

ائمه هدی - علیهم السلام - و انبیای عظام در مناجات خود تمنای فضل را داشته‌اند و از عدل و مناقشه در حساب خوفناک بودند. مناجات خاصان درگاه حق و ائمه معصومین - صلوات الله علیهم - مشحون به اعتراف به تقصیر و عجز از قیام به عبودیت است. جایی که افضل موجودات و ممکن اقرب اعلان «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ، و ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»^(۱) دهد حال سایر مردم چه خواهد بود؟ آری، آنها عارفند به عظمت حق تعالی و نسبت ممکن به واجب را می‌دانند. آنها می‌دانند که اگر تمام عمر دنیا را به عبادت و اطاعت و تحمید و تسبیح بگذرانند، شکر نعمت حق نکرده‌اند تا چه رسد به آنکه حق ثنای ذات و صفات را به جای آورده باشند. آنها می‌دانند که هیچ موجودی از خود چیزی ندارد. حیات و قدرت، علم و قوت [و] سایر کمالات، ظل کمال اوست.

چهل حدیث؛ ص ۷۰

* * *

ائمه طاهرین - علیهم السلام - بسیاری از مسائل را با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. لسان ادعیه با لسانهای دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می‌فرمودند خیلی فرق دارد. اکثراً مسائل روحانی، مسائل ماوراءطبیعت، مسائل دقیق الهی و آنچه را مربوط به معرفه الله است، با

۱. «آنچنان که حق شناخت تو را شناختیم؛ آنگونه که حق پرستیدن تو را نپرستیدیم.» مرآة العقول؛ ج ۸، ص ۱۴۶، «کتاب الایمان و الکفر»، «باب الشکر»، ح ۸.

لسان ادعیه بیان فرموده‌اند.

جهاد اکبر؛ ص ۳۷

* * *

شما خیال می‌کنید گریه‌های ائمه طاهرین و ناله‌های حضرت سجاد(ع) برای تعلیم بوده و می‌خواسته‌اند به دیگران بیاموزند؟ آنان با تمام آن معنویات و مقام شامخی که داشتند از خوف خدا می‌گریستند؛ و می‌دانستند راهی که در پیش دارند پیمودنش چقدر مشکل و خطرناک است. از مشکلات، سختیها، ناهمواریهای عبور از صراط، که یک طرف آن دنیا و طرف دیگرش آخرت می‌باشد و از میان جهنم می‌گذرد، خبر داشتند. از عوالم قبر، برزخ، قیامت، و عقبات هولناک آن، آگاه بودند. از این روی هیچ‌گاه آرام نداشته همواره از عقوبات شدید آخرت به خدا پناه می‌بردند.

جهاد اکبر؛ ص ۳۷

* * *

مطالعه در ادعیه معصومین - علیهم السلام - و سوز و گداز آنان از خوف حق و عذاب او سرلوحه افکار و رفتارت^(۱) باشد.

نقطه عطف؛ ص ۴۲

* * *

۱. مخاطب امام مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی بوده‌اند.

چه معارفی در این ادعیه هست که ما محرومیم از آن معارف، چه سوزی در قلب این خاصان خدا بوده است که برای فراق خدا می سوختند و آتش جهنم را می گفتند اگر صبر کنیم، صبر در فراق را چه کنیم؟ اینها برای ما مثل یک افسانه است، لکن واقعیت است، واقعیتی که آنها فهمیده‌اند و ما نفهمیدیم.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۵۴

* * *

ادعیه و مناجاتهای سیدالساجدین و زین‌العابدین - علیه‌السلام - را ملاحظه کن و دقت نما بین در مقام عبودیت چه معامله می‌کند و چطور به وظیفه بندگی قیام می‌کند. با این وصف، وقتی صحیفه اعمال حضرت مولای متقیان، امیر مؤمنان - علیه‌السلام - را می‌بیند، تأسف می‌خورد و اظهار عجز می‌کند!

چهل حدیث؛ ص ۳۶۴

* * *

حضرت علی بن الحسین - علیهماالسلام - قرآن را به طوری نیکو تلاوت می‌فرمود که کسانی که از آنجا عبور می‌کردند، از قبیل سقاها، آنجا توقف می‌کردند و بعضی از استماع آن غش می‌کردند.

چهل حدیث؛ ص ۵۰۴

* * *

در حکایت معروف طاووس است که دید صدای ناله و تضرع و زاری

می‌آید، تا آنکه صاحب آن ناله خاموش شد و گویی غشوه‌ای برای او دست داد. چون به بالین او آمد، دید جناب علی بن الحسین -علیهما السلام- است! سر آن بزرگوار را به دامن گرفت و کلماتی مشتمل بر آنکه تو فرزند رسول خدا و جگر گوشه فاطمه زهرایی، و بالاخره بهشت از شماست، عرض کرد. آن سرور فرمود: «خداوند بهشت را خلق فرموده از برای کسی که عبادت و اطاعت او کند، اگر چه غلام حبشی باشد؛ و آتش را خلق فرموده برای کسی که معصیت او کند، گرچه اولاد قریش باد.» (یا سید قریش باشد).^(۱)

چهل حدیث؛ ص ۵۷۲

* * *

مبارزات ائمه (ع)

ما ملاحظه می‌کنیم که در زمانهایی که ائمه مسلمین -علیهم السلام- در فشار سخت بنی امیه و بنی العباس بودند مطالب خودشان را آنطور که ممکن بود به مردم می‌رساندند، حتی در ادعیه آنها، شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمایید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول

ذکر و دعا باشند. چنانچه خود آنها که ملاحظه می‌کنید، اینطور نبودند.
صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۴۲۲

* * *

در زمان ائمه دین هرکس از تاریخ مطلع است، می‌داند که زمانی بوده که برای امامان و شیعیان آنها در کمال سختی و تقیه بوده که اگر سلاطین و خلفای آن وقت اطلاع از شیعیان آنها پیدا می‌کردند جان و مال و عرض آنها به باد فنا می‌رفت. امامان از طرف پیغمبر، از جانب خدای عالم مأمور بودند که هرطور شده است حفظ کنند جان و ناموس و عرض شیعیان را. از این جهت گاهی یک حکم را به طور تقیه برخلاف دستور اولی خدا می‌دادند برای اینکه در بین خود شیعیان هم اختلاف شود و مخالفین نفهمند.

کشف‌الاسرار؛ ص ۱۲۸

* * *

ما باید سرمشق از این خاندان بگیریم: بانوان ما از بانوانشان و مردان ما از مردانشان، بلکه همه از همه آنها. آنها زندگی خودشان را وقف کردند از برای طرفداری مظلومین و احیای سنت الهی. ما باید تبعیت کنیم و زندگی خود را برای آنها قرار بدهیم. کسی که تاریخ اسلام را می‌داند، می‌داند که این خاندان هر یکی‌شان مثل یک انسان کامل، بلکه بالاتر، یک انسان الهی - روحانی، برای ملتها و مستضعفین قیام کردند در مقابل کسانی که می‌خواستند مستضعفین را از بین ببرند.

صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۵۳۰

ائمه (ع) نه فقط خود با دستگاہهای ظالم و دولت‌های جائر و دربارهای فاسد مبارزه کرده‌اند، بلکه مسلمانان را به جهاد بر ضد آنها دعوت نموده‌اند. بیش از پنجاه روایت در وسائل‌الشیعه و مستدرک و دیگر کتب هست که «از سلاطین و دستگاہ ظلمه کناره‌گیری کنید، به دهان مداح آنها خاک بریزید، هرکس یک مداد به آنها بدهد یا آب در دواتشان بریزد چنین و چنان می‌شود».^(۱) خلاصه دستور داده‌اند که با آنها به هیچ وجه همکاری نشود و قطع رابطه بشود.

ولایت فقیه؛ ص ۱۵۲

* * *

شهادت امیرالمؤمنین - علیه السلام - و نیز حسین - علیه السلام - و حبس و شکنجه و تبعید و مسمومیت‌های ائمه - علیهم السلام - همه در جهت مبارزات سیاسی شیعیان علیه ستمگرها بوده است.

صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۱۸۸

* * *

شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقۀ طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعۀ بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۴۴۱

۱. وسائل‌الشیعه؛ ج ۱۲، «کتاب التجاره»، «ابواب مایکتسب به»، باب ۴۲، ص ۱۳۰.

سیدالشهدا - سلام الله علیه - مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۹۷

* * *

اینکه می بینید «هارون»^(۱) حضرت موسی بن جعفر(ع) را می گیرد و چندین سال حبس می کند، ... نه از این جهت است که سید و اولاد پیغمبرند و اینها با پیغمبر(ص) مخالفند؛ ... ولو اینها می دانستند که اولاد علی(ع) داعیه خلافت داشته بر تشکیل حکومت اسلامی اصرار دارند، و خلافت و حکومت را وظیفه خود می دانند. چنانکه آن روز که به امام(ع) پیشنهاد شد حدود «فدک»^(۲) را تعیین فرماید تا آن را به ایشان برگردانند، طبق روایت، حضرت حدود کشور اسلامی را تعیین فرمود. یعنی، تا این حدود حق ماست و ما باید بر آن حکومت داشته باشیم، و شما غاصبید. حکام جائر می دیدند که اگر امام موسی بن جعفر(ع) آزاد باشد، زندگی را بر آنها حرام خواهد کرد؛ و ممکن است زمینه ای فراهم شود که حضرت قیام کند و سلطنت را براندازد. از این جهت مهلت ندادند. اگر مهلت داده بودند، بدون تردید حضرت قیام می کرد.

ولایت فقیه؛ ص ۱۵۰

* * *

۱. هارون الرشید (۱۹۳ ه.ق) پنجمین خلیفه عباسی.

۲. «فدک» قریه آبادی بوده است در یک منزل خیبر که پس از جنگ خیبر ساکنان آن با پیغمبر پیمان صلح بستند و فدک ملک پیغمبر(ص) گردید و ایشان آن را به دستور خداوند به دخترش فاطمه(س) بخشید.

حضرت رضا - سلام الله عليه - در آن ابتلائاتی که داشت و در آن مصیبت‌های معنوی که برایش وارد می‌شد، بدون اینکه یک اختلافی ایجاد کند، با آرامش، راه خودش را به پیش می‌برد. مقید بود به اینکه آرامش ملت را حفظ کند.

صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۴۲۷

* * *

سیره انبیای عظام - صلی الله علی نبینا و علیهم اجمعین - و ائمه اطهار - علیهم السلام - که سرآمد عارفان بالله و رستگان از هر قید و بند، و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوا علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنجه‌ها برده و کوشش‌ها کرده‌اند، به ما درسها می‌دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راهگشایمان خواهد بود «مَنْ أَضْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^(۱).

نقطه عطف؛ ص ۱۴

* * *

ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های

۱. «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست» اصول کافی؛ ج ۳،

جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۹۷

* * *

ما شیعهٔ یک ائمه‌ای هستیم که آنها شهادت را استقبال می‌کردند.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۳۸

* * *

مسیر اسلام، بر شهادت در راه هدف است، و اولیای خدا - علیهم‌السلام - شهادت را یکی از دیگری به ارث می‌بردند.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۳۲۰

* * *

تاریخ اسلام مشحون بوده است از این مجاهدات، از این شهادتها، از این خون دادنها و از این خرابکارها به دست قُجَار. ائمهٔ ما - علیهم‌السلام - مبتلا بودند به همین امور.

صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۲۶۵

* * *

یاران ائمه (ع)

«مالک اشتر» یکی از صاحب‌منصبهای بزرگی حضرت امیر بوده است، «محمد بن ابی‌بکر» یکی از صاحب‌منصبهای بزرگ حضرت امیر بوده

است.

صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۲۱۵

* * *

سلمان^(۱) دارای حکومت مداین بود؛ وقتی سیل آمد، پوستی که زیرش بود برداشت و رفت بالاگفت «نَجَى الْمُحَقَّقُونَ»^(۲) من چیزی ندارم تا آب ببرد. یک پوستی هست آن هم برداشتم. حاکم آنجا بود!

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۲۱۳

* * *

امام حسن - سلام الله علیه - آنقدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمانشان روی چه نقشه دارد عمل می کند، با خیالهای کوچکیشان، با افکار ناقصشان در مقابلش می ایستادند و غارتش کردند و اذیتش کردند، و - عرض می کنم که - شکستش دادند، معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳۰

* * *

۱. سلمان فارسی (۳۶ ه. ق.) از اصحاب خاص پیامبر اکرم (ص) که قبل از اسلام آوردن با ادیان الهی و مکاتب بشری آشنا شده بود و به همین سبب اطلاعات علمی بالایی داشته است و او را لقمان ثانی می نامیدند.
۲. ما خود را سبکبار کرده ایم.

اسماعیل بن بزیع... یک حدیث از موسی بن جعفر نقل می‌کند که از اشخاصی که در دربارهای سلاطین ستمگر واردند و برای اصلاح حال کشور و توده قدم برمی‌دارند به قدری تعریف و تمجید کرده است که انسان را متحیر می‌کند. می‌گوید اینها حقیقتاً مؤمنند. اینها محل نور خدا هستند، در زمین اینها نور خدا هستند. در توده نور اینها برای اهل آسمان روشنی می‌دهد. همچون ستارگان درخشان که برای اهل زمین نور پخش می‌کنند. بهشت برای آنان خلق شده و آنان برای بهشت.

کشف‌الاسرار؛ ص ۲۲۸

* * *

علی بن یقظین هم از وزرا بود. در زمان ائمه هم بودند.

صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۲۴۰

* * *

چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه‌انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله‌گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا - علیهم صلوات الله - و حامیان اولیا - علیهم السلام - بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن گردد و شیاطین و شیطان‌صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر

از بنیاد برچیده شوند.

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۴۷۲

* * *

خاطرات

خاطرات

امام برای زیارت خانه خدا^(۱) و زیارت کربلای امام حسین (ع) کتابهای خود را فروختند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۱۵

* * *

امام... تقریباً هر شب در ساعت معینی به حرم حضرت امیر - علیه السلام - مشرف می شدند و در اوقات زیارتی حضرت سیدالشهدا (ع) به کربلا می رفتند و این عمل یک برنامه مرتب و همیشگی بود.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۱۷

* * *

امام سه روز در فاطمیه دوم برای حضرت زهرا (س) مجلس روضه می گرفتند. ایشان به ذکر مصیبت فاطمه زهرا حساسیت خاصی داشتند و

۱. امام در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی به حج مشرف شدند.

هنگامی که از حضرت زهرا (س) و سیدالشهدا (ع) نام برده می شد بیش از همه گریان می شدند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۳۱

* * *

بعد از ظهر روز عاشورای ۱۳۴۲ که امام برای سخنرانی به مدرسه فیضیه تشریف می بردند (به احترام عزای سیدالشهدا) تحت الحنک انداخته بودند (عمامه ایشان باز بود) و قسمت جلوی عمامه شان را قدری گل زده بودند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۳۲

* * *

در دیداری که فرماندهان کمیته ها و سپاه خراسان در مورخه ۵۸/۸/۱۲ با امام داشتند رسماً از محضر امام برای سفر به مشهد و زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دعوت به عمل آمد. امام فرمودند: «زیارت امام هشتم (ع) آرزوی من است، لکن با وجود گرفتاریهایی که دارم و از طرفی ملاقاتهای اجتماعی، برایم امکان ندارد و نمی توانم مسافرت کنم. امیدوارم که این توفیق نصیبم گردد».

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۳۸

* * *

در مورخه ۵۸/۴/۱۴ که یک زوج مسیحی در محضر امام به دین مبین اسلام مشرف شدند از امام خواستند نام آنها را تغییر دهند، امام آن دو را

علی و فاطمه نام نهادند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۳۹

* * *

یکی از برادران تعریف می‌کرد: «روزی نزدیک ظهر احساس کردم که صدای ضجه و ناله می‌آید. کمی که جستجو کردم، دیدم امام به پشت‌بام منزلشان رفته و زیارت عاشورا می‌خوانند و اشک می‌ریزند».

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۴۲

* * *

پس از شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی، فرزند ارشد امام، وارد نجف اشرف شدم،^(۱) رفقا گفتند: خوب به موقع آمدی، امام را دریاب که هر چه ما کرده‌ایم در مصیبت حاج آقا مصطفی گریه کنند از عهده برنیامده‌ایم، مگر تو کاری بکنی، من خدمت امام رسیدم و عرض کردم اجازه می‌دهید ذکر مصیبتی بکنم؟ امام اجازه دادند، هر چه نام مرحوم حاج آقا مصطفی را بردم تا با آهنگ حزین امام را منقلب کنم که در عزای پسر اشک بریزند، امام تغییر حال پیدا نکردند و همچنان ساکت و آرام بودند؛ ولی همینکه نام حضرت علی اکبر - علیه السلام - را بردم هنگامه شد، امام چنان گریستند که قابل وصف نبود.

پا به پای آفتاب؛ ج ۵، ص ۱۷۰

۱. مرحوم حجت الاسلام حاج سید محمد کوثری ذاکر معروف قم که از سالها قبل روضه خوان خاص حضرت امام بود و در سنوات اخیر هم ایام عاشورا در حسینیه جماران ذکر مصیبت می‌کردند.

علاقه و عشق امام به اهل بیت در حد وصف ناشدنی است، امام عاشق اهل بیت بودند، عاشقی که تا صدای یاحسین - علیه السلام - بلند می شود و بی اختیار اشک می ریختند، امام با اینکه در برابر مصیبتها صابر بودند و حتی در برابر مصیبت شهادت حاج آقا مصطفی اشک نمی ریختند؛ اما به مجرد اینکه یک روزه خوان بگوید: «السلام علیک یا ابا عبدالله» قطره های اشک از دیدگان امام فرو می چکد.

سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی؛ ج ۲، ص ۵۵

* * *

روزی یکی از طلاب در مدرسه رفاه (محل اقامت حضرت امام در روزهای قبل از پیروزی) به امام عرض می کند که شما چرا در بین صحبتهایتان از امام زمان - علیه السلام - کمتر اسم می برید؟ امام به محض شنیدن این سخن درجا ایستادند و فرمودند: چه می گویی؟ مگر شما نمی دانید ما آنچه داریم از امام زمان - علیه السلام - است، و آنچه من دارم از امام زمان - علیه السلام - است، و آنچه از انقلاب داریم از امام زمان - علیه السلام - است.

سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی؛ ج ۲، ص ۵۶

* * *

[امام] از روزی که به نجف اشرف وارد شدند تا روزی که مهاجرت کردند، هر شب سه ساعت بعد از غروب آفتاب در حرم مطهر حضرت علی - علیه السلام - زیارت جامعه کبیره را می خواندند، حتی زمانی که به دنبال کودتایی در نجف حکومت نظامی برقرار شد، دیدند آقا توی اتاق

نیستند به دنبال ایشان گشتند، و امام را بالای پشت بام رو به روی گنبد مطهر دیدند که ایستاده اند و مشغول خواندن زیارت جامعه هستند.

پاسدار انقلاب؛ ش ۱۸ (آبان ۱۳۶۰)، ص ۳۳

* * *

آیا این یک امتیاز نیست که حدود پانزده سال در نجف اشرف، حتی یک شب تشرف ایشان به حرم ترک نشده باشد؟! از مرحوم استاد شهید حاج آقا مصطفی نقل شد که یک شب طوفانی بود و بیرون رفتن از خانه بسیار سخت، من به معظم له گفتم: امیرالمؤمنین - علیه السلام - دور و نزدیک ندارد، زیارت جامعه را که در حرم می خوانید، امشب در خانه بخوانید، امام فرمودند: مصطفی! تقاضا دارم روح عوامانه را از ما نگیری، و همان شب بالاخره به حرم مشرف شدند و زیارت جامعه را در حرم مطهر خواندند.

سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی؛ ج ۵، ص ۱۶۸

* * *

فتاوا

فتاوا

اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا - سلام الله - علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند.

رساله توضیح المسائل؛ ص ۲۴۴

* * *

اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر نسبت دهد روزه اش باطل می شود ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند اشکال ندارد.

رساله توضیح المسائل؛ ص ۲۴۴

* * *